

شناسایی و اولویت بندی ویژگیهای فردی، اجتماعی، محیطی و فرهنگی موثر بر وضعیت کودکان یتیم خانه های تحت پوشش بهزیستی تهران پس از ۱۸ سالگی

منصوره شریفی نویسی^۱، امیر مسعود امیر مظاهری^۲، زهرا حضرتی صومعه^۳

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۹

چکیده

هدف: هدف اصلی پژوهش، شناسایی و اولویت بندی ویژگیهای فردی، اجتماعی، محیطی و فرهنگی موثر بر وضعیت کودکان یتیم خانه های تحت پوشش بهزیستی تهران پس از ۱۸ سالگی بود.

روش شناسایی: روش پژوهش از نظر هدف، کاربردی، از نظر نوع داده، آمیخته (کیفی و کمی) بود. جامعه آماری شامل نخبگان دارای مدرک تحصیلی دکتری و عضو هیات علمی دانشگاه با سابقه حداقل ۵ سال در سازمان بهزیستی و دارای مدارک تحقیقاتی و شرکت در سمینارهای مرتبط بود. حجم نمونه ۱۰ نفر خبره بود که با روش هدفمند و با توجه به اصل اشباع نظری انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها، مصاحبه نیمه سازمان یافته و پرسشنامه مقایسات زوجی بود. برای تحلیل داده ها از روش کد گذاری نظری (باز، محوری و انتخابی) و تکنیک AHP فازی استفاده شد.

یافته ها: پس از کد گذاری باز و محوری مشخص شد که برای ویژگیهای فردی، اجتماعی، محیطی و فرهنگی موثر بر وضعیت کودکان یتیم خانه های تحت پوشش بهزیستی تهران پس از ۱۸ سالگی چندین مولفه به دست آمد که این ابعاد عبارتند از: در بعد محیطی شامل اقدامات حمایتی و بسترهای محیطی می باشد. در بعد فردی شامل مولفه های ۱- بهره هوشی ۲- استعدادهای فردی ۳- شرایط جسمی ۴- شرایط روحی. در بعد اجتماعی شامل: ۱- مسئولیت اجتماعی ۲- هنجارهای دینی ۳- چرخه ی معیوب اجتماعی شدن. بعد فرهنگی شامل مؤلفه های ۱- هنجارهای پذیرفته شده فرهنگی و ۲- نبود فرهنگ می باشد.

بحث و نتیجه گیری: براساس تکنیک AHP فازی تاثیر بعد فردی در درجه اول اهمیت، بعد فرهنگی درجه دوم، بعد محیطی درجه سوم و بعد اجتماعی چهارم می باشد.

واژگان کلیدی: ویژگیهای فردی، اجتماعی، محیطی، کودکان، یتیم خانه، بهزیستی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ دانشجوی دکتری، گروه جامعه شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

^۲ دانشیار، گروه علوم اجتماعی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). a.amirmazaheri@gmail.com

^۳ دانشیار، گروه جامعه شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

مساله کودکان بی سرپرست یک مشکل اساسی است که از پیچیدگی بالایی برخوردار است و افزایش تعداد کودکان بی سرپرست امروزه باعث اهمیت بالای این موضوع می‌باشد. مشکلات اجتماعی کودکان بی سرپرست به این دلیل است که در خانواده نمی‌توانند نیازهای اجتماعی و اقتصادی کودکان خود را برآورده کنند. نیازهای اساسی کودکان شامل بقاء، رشد و تکامل، حفاظت و مشارکت است. وجود پرورشگاه‌هایی که توسط افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها اداره می‌شود، می‌تواند فضای آموزشی را برای کودکان بدسرپرست فراهم کند اما نیازهای زیادی فقط در بستر خانواده تامین می‌گردد (Helles et al., 2021).

طبق ماده ۱۸ پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک، مسئولیت اولیه حفظ حقوق کودک و تأمین مصالح او بر عهده والدین است و اگر آنها قادر به ایفای این نقش نباشند، دولت‌ها برای تأمین نیازها و حقوق کودک مداخله می‌کنند. طبق ماده 21 و 29 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سازمان بهزیستی، به‌عنوان متولی اصلی کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست، کودکانی را که بنا به دلایل گوناگون از جمله فوت سرپرستان یا تنها سرپرست، زندانی بودن سرپرستان یا تنها سرپرست، مفقوداً اثر شدن سرپرستان یا تنها سرپرست، صلاحیت‌نداشتن سرپرستان با حکم مقام قضایی و به دلایل وجود شرایط خاص آسیب‌پذیری برای کودک در خانواده از قبیل سوءرفتار شدید و ... که به‌طور دائم یا موقت از زندگی در خانواده محروم شده‌اند، در مراکز شبانه‌روزی یا نزد خانواده‌های جایگزین مراقبت می‌کند (Welfare Organization, 2018).

ارتباطات محدود و آسیب‌دیده کودکی می‌تواند بر تمامی ابعاد کیفیت زندگی از قبیل سلامت جسمانی و بهزیستی روانی، ارتباطات مثبت و مؤثر با دیگران و محیط زندگی اثر نامطلوب بگذارد. سبک دلبستگی نایمن می‌تواند شکل‌دهنده طرحواره بی‌اعتمادی به دیگران شود که به شکل چرخه معیوب در تعاملات بین‌فردی، خود را نشان می‌دهد. فرد با دلبستگی نایمن در برخورد با مشکلات به جای بهیشتاری و کمک‌گرفتن از دیگران سعی می‌کند آنها را برای اجتناب از احساسات دردناک سرکوب کند. این رفتار غیرانطباقی در طولانی‌مدت به اضطراب بیشتر دامن می‌زند؛ اما اگر فرد با خودش مهربان باشد و احساسات دردناک خود را سرکوب نکند، می‌تواند تجارب خود را بشناسد و نسبت به آن احساس شفقت داشته باشد (Irons and Ladd, 2017).

نوجوانان بی‌سرپرست یا بدسرپرست به کسانی گفته می‌شوند که والدین خود را بر اثر حوادثی همچون تصادفات رانندگی یا مرگ از دست داده‌اند یا دارای والدینی هستند که به دلایل مختلف از جمله اعتیاد، وارد نمودن آسیب و آزارهای جسمی یا روانی به فرزندان، فاقد صلاحیت لازم اجتماعی، اخلاقی و رفتاری برای نگهداری فرزند می‌باشند (Eslami et al., 2012). طبق گزارش یونیسف (۲۰۱۶) حدوداً ۱۴۳ میلیون کودک بدون سرپرست زیر ۱۸ سال در ۱۹ کشور در حال توسعه و دیگر کشورها وجود دارند و طبق گزارش ایسنا، در ۹ سال اخیر بیش از ۱۰ هزار فرزند به عنوان فرزندخوانده به خانواده‌های ذی صلاح واگذار شده است و حدود ۲۶ هزار فرزند بی‌سرپرست، بدسرپرست و دارای سرپرست غیرمؤثر تحت پوشش سازمان مذکور است که ۱۰ هزار نفر آنها در مراکز شبه خانواده و شیرخوارگاه‌ها نگهداری می‌شوند و حدود ۱۶ هزار نفر نیز در خانواده‌های جایگزین زندگی می‌کنند (ISNA news agency, 2019). نوجوانانی که در خانه‌های تک والدینی زندگی می‌کنند و نیز نوجوانان بی‌سرپرست یا بدسرپرست، بیش از سایر نوجوانان در معرض خطر رفتارهای غیر انطباقی قرار دارند. از آنجا که بهترین محیط برای پرورش کودک، محیط خانواده است، مراکز شبانه‌روزی به‌رغم صرف هزینه و وقت بسیار در مقایسه با نهاد خانواده کارکرد ضعیف‌تری دارند (Salehi et al., 2019). محرومیت این کودکان از والدین و خانواده و زندگی در مؤسسات شبانه‌روزی آنها را با طیف وسیعی از مشکلات از جمله: پایین بودن اعتمادبه‌نفس، بالا رفتن خطر آسیب‌های جسمی و روانی به خصوص اختلال افسردگی و نظایر آنها روبرو خواهد کرد (Fayaz and Kayani, 2011). در حقیقت بی‌سرپرستی و بدسرپرستی موجب افزایش خطر ابتلا به مشکلات روانی عصبی در نوجوانان است که به صورت اضطراب، افسردگی، احساس گناه، ناامیدی، ترس، خشم و به صورت کلی افت کیفیت زندگی نمود می‌یابد (Akrododo, 2010).

مطالعه آمارهای رسمی سازمان بهزیستی کل کشور نشان می‌دهد هر ساله کودکان و نوجوانان زیادی به علت‌های متعددی به زندگی در پرورشگاه‌ها روی می‌آورند. براساس آمارهای رسمی در سال ۱۳۹۸ بیش از ۲۷ هزار کودک بی‌سرپرست تحت پوشش سازمان هستند که از این تعداد ۱۷ هزار نفر در خانواده‌های جایگزین و حدود ۱۰ هزار نفر در ۶۰۰ مرکز شبانه‌روزی سازمان بهزیستی ساکن‌اند (Behrouzifar et al., 2018).

این کودکان و نوجوانان والدین خود را به علت حوادثی مانند تصادف و مرگ از دست داده‌اند یا والدینی دارند که به علت اعتیاد یا آسیب‌های جسمی و روانی که به فرزندان خود وارد می‌کنند، صلاحیت اجتماعی، اخلاقی و رفتاری لازم را برای نگهداری از فرزند خود ندارند (Ghasemi Harandi and Faruzandeh, 2015).

معضل کودکان بی سرپرست یا بد سرپرست واقعیت تلخ بسیاری از جوامع یا کشورهاست که ریشه‌های آن به نهاد خانواده و جامعه بازمی‌گردد. کودکان بی سرپرست انانی هستند که از ابتدای درک این جهان در خارج از خانه و بدون درک پدر و مادر زندگی را گذرانده‌اند و دسته دیگر کودکانی هستند که با مفاهیم پدر و مادر (خانواده) آشنایی دارند اما متأسفانه بار معنایی که اینان دریافت کرده‌اند بنا به شرایط بد سرپرستشان (به لحاظ مادی، اخلاقی، دچار بودن به مفاسد اعتیاد و...) بار منفی است که بر زندگی ابتدایی آنها سایه انداخته و پیشینه ذهنی آنان از پدر و مادر و خانواده را با سایه تزیین نموده است. به طور کلی این امر پذیرفته شده است که رشد شخصیت کودک به شدت توسط والدین متأثر می‌شود و غیبت یکی از این دو یا هر دو، اثر نامطلوبی بر روان آنان خواهد داشت و شخص را مستعد به بیماری روانی یا مشکلات رفتاری بعدی خواهد ساخت (Majidi Shirkhani, Shirkhani and Denavi, 2016). اگرچه امروزه در جوامع مختلف راه حل‌هایی جهت رفع مشکلات کودکان و نوجوانان بی سرپرست ارائه شده و مراکز شبه خانواده تاسیس شده‌اند، لکن زندگی در مراکز شبه خانواده با مشکلات عدیده‌ای مواجه است. در تحقیقات متعدد نشان داده شده است زندگی دور از خانواده و محدود بودن تعاملات خانوادگی کودکان و نوجوانان را در معرض بحران‌های هویتی، فردی، اجتماعی و خانوادگی قرار می‌گیرد (Safar Hamidi, Hosseinian and Zandipour, 2016).

Salehi and others (2019) در زمینه نقش سازمان بهزیستی در فرآیند سرپرستی از کودکان و نوجوانان بی سرپرست یا بدسرپرست نشان دادند که قانونگذار علاوه بر واگذاری امور سرپرستی به سازمان بهزیستی، مرجعیت کارشناسی سازمان را در فرآیند سرپرستی پذیرفته است. Trader (2019) در زمینه استانداردها و مسائل روانی اجتماعی کودکان بی سرپرست در ایران نشان داد که مراکز نگهداری از کودکان بی سرپرست در ایران کاملاً با استانداردهای فیزیکی، فضای و آموزشی همخوانی ندارد و فاصله‌ی این مراکز با استانداردها، بویژه در استانداردهای محروم مرکزی بیشتر به چشم می‌خورد و از منظر متغیرهای آموزشی و اجتماعی و روانی، مشکلات در کودکان بی سرپرست بیشتر از کودکان تحت حمایت خانواده می‌باشد. Bahmanyar and Dehghan (2020) به راهبردهای طراحی مرکز نگهداری کودکان بی سرپرست با هدف افزایش تعلق به مکان در شهر اصفهان پرداختند و نشان دادند سازمان‌دهی فضای باز خصوصی و عمومی موجب افزایش تعاملات اجتماعی و خاطره‌سازی و توجه به حریم خصوصی کودک باعث ایجاد دل‌بستگی به مکان می‌شود. Astana (2019) که به ایجاد حس امنیت در مراکز نگهداری کودکان بی سرپرست و بدسرپرست پرداخت نشان داد طراحی فضای اقامتی برای کودکان بی سرپرست و بدسرپرست که در آن احساس آسایش و امنیت وجود داشته باشد نه تنها موجب پیشرفت قابل توجه این کودکان در تعاملات اجتماعی و تحصیلی شده، بلکه این کودکان را که ناخواسته تبدیل به عضوی با پتانسیل‌های بالا برای قانون شکنی، آزار و اذیت قرار گرفته‌اند را به عضوی مفید برای جامعه تبدیل می‌کند.

بسیاری از نوجوانان بی سرپرست در معرض آسیب‌های روانی و یا رفتارهای ضداجتماعی قرار می‌گیرند. در واقع بی سرپرستی ضربه‌ای است که با بر جای گذاشتن ضربه‌ای جدی همه ابعاد زندگی نوجوان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. سازمان بهزیستی کشور، سازمانی است حمایتی که براساس قوانین و مقررات موجود با عرضه خدمات پیشگیری، اجتماعی، توانبخشی و آموزشی برای حفظ و ارتقای شاخص‌های سلامت و رفاه اجتماعی به منظور حمایت و توانمندسازی و ارتقای کیفیت زندگی گروه‌های هدف، فعالیت و نظارت می‌کند. این سازمان در سال ۱۳۵۹ از ادغام ۱۴ سازمان، انجمن، واحد حمایتی، بیمارستان و ... تشکیل شد. در سال ۱۳۸۳ براساس قانون ساختار وزارت رفاه و تأمین اجتماعی، این سازمان، به همراه سازمان تأمین اجتماعی و سازمان بیمه خدمات درمانی از وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی منفک و به زیرمجموعه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی ملحق شد. با توجه به مطالب عنوان شده، اهمیت وضعیت این کودکان، خلأ نظری در زمینه کودکان یتیم‌خانه‌ها و نتایجی که از کاربرد آن برای بهبود وضعیت آنها حاصل خواهد شد، ضرورت انجام مطالعه حاضر شکل گرفت و در این پژوهش برآنیم به شناسایی و

اولویت بندی ویژگیهای فردی، اجتماعی، محیطی و فرهنگی موثر بر وضعیت کودکان یتیم خانه های تحت پوشش بهزیستی تهران پس از ۱۸ سالگی برداریم.

با در نظر گرفتن آنچه مطرح شد، این تحقیق برای یافتن پاسخ به سوال زیر انجام شده است: ۱- شناسایی و اولویت بندی ویژگیهای فردی، اجتماعی، محیطی و فرهنگی موثر بر وضعیت کودکان یتیم خانه های تحت پوشش بهزیستی تهران پس از ۱۸ سالگی چگونه است؟

روش شناسی

روش پژوهش از نظر هدف، کاربردی، از نظر نوع داده، کیفی است که با رویکرد داده بنیاد انجام شده است. جامعه آماری در بخش کیفی شامل نخبگان دارای مدرک تحصیلی دکتری و با سابقه حداقل ۵ سال در سازمان بهزیستی و دارای مدارک تحقیقاتی و شرکت در سمینارهای مورد نظر می باشد. حجم نمونه ۱۰ نفر خبره بود که با روش هدفمند و با توجه به اصل اشباع نظری انتخاب شده است. منظور از اشباع نظری این است که با افراد نمونه تا حدی مصاحبه می شود که مصاحبه های جدید منجر به اطلاعات جدیدی در خصوص ابعاد، مولفه ها و شاخص های الگوی جامعه شناختی موثر بر وضعیت کودکان یتیم خانه های تحت پوشش بهزیستی تهران پس از ۱۸ سالگی احصا نشود. ابزار پژوهش، یک فرم مصاحبه نیم ساختاریافته استفاده شد. تحلیل با توجه به اهداف تحقیق بوده و با روش داده بنیاد و با استفاده از روش: الف: کدگذاری باز، ب: کدگذاری محوری ج: کدگذاری انتخابی استفاده شده است. در واقع پس از مطالعه متن هر یک از مصاحبه ها، قسمتهایی که با توجه به سوالات پژوهش و اهداف تحقیق میتوانست به عنوان یک کد اولیه در نظر گرفته شود مشخص می شد و به عنوان مفهوم اولیه انتخاب گردید. ادامه مفاهیم اولیه در طبقه ای بالاتر که اشتراک دارند در قالب الگو تعریف میشود. در بخش کمی از تکنیک AHP فازی استفاده شد.

یافته ها

ویژگیهای فردی، اجتماعی، محیطی و فرهنگی موثر بر وضعیت کودکان یتیم خانه های تحت پوشش بهزیستی تهران پس از ۱۸ سالگی کدامند؟

روش جمع آوری اطلاعات، روش مصاحبه عمیق است. در این مطالعه با ۲۰ نفر مصاحبه انجام شد که از مصاحبه ۱۰ به بعد، تکرار در اطلاعات دریافتی مشاهده شده است؛ و از این به بعد داده ها کاملا تکراری بوده و به اشباع رسیده بود. مصاحبه با طرح سؤالاتی در مورد "مولفه های الگوی جامعه شناختی موثر بر وضعیت کودکان یتیم خانه های تحت پوشش بهزیستی تهران" آغاز می شد (مصاحبه باز) و باقی پرسش ها براساس پاسخ های مصاحبه شونده طرح می شد. تمامی مصاحبه ها ضبط شده و برای استخراج نکات کلیدی چندین بار مورد بررسی قرار گرفتند. در این پژوهش مصاحبه های ضبط شده پس از پیاده سازی، با استفاده از روش تحلیل محتوا به صورت سطر به سطر بررسی، مفهوم پردازی، مقوله بندی و سپس، بر اساس مشابهت، ارتباط مفهومی و خصوصیات مشترک بین کدهای باز، مفاهیم و مقولات (طبقه ای از مفاهیم) مشخص شدند. در زیر کدهای باز، مقوله های فرعی و مقوله های مربوط به شرایط علی، زمینه ای، میانجی، پدیده محوری و راهبردها و پیامدهای مربوط ارائه شده است. در کدگذاری اولیه به همه ی نکات کلیدی مصاحبه ها، عنوانی داده شد، سپس در مرحله بعد، کدهای اولیه به علت تعداد فراوان آنها به کدهای ثانویه تبدیل و چند کد ثانویه تبدیل به یک کد مفهومی شد. در جدول زیر، نتایج کدگذاری باز براساس کد ثانویه، کدهای مفهومی و مقولات ارائه شده است.

جدول ۱. کدگذاری ثانویه و شکل دهی کدهای مفهومی و مقولات برای سوالات

مقوله	کد انتخابی	کد محوری	کدگذاری باز	کد های احصایی
شرایط علی	محیطی	اقدامات حمایتی	<p>اقدام حمایتی دولت به منظور گسترش عدالت اجتماعی برای حمایت از اقشار محروم و آسیب پذیر جامعه با تدوین مجموعه‌ای از سیاست‌های اقتصادی و بهره‌گیری از مکانیسم‌های اقتصادی، ارتقای سبک زندگی تشخیص و درمان به موقع افراد دارای مشکل، جلوگیری از پیشرفت بیماری و توانایی آن‌ها، کاهش عوامل مخاطره آمیز آسیب‌های جسمانی - روانی، به منظور متعالی ساختن جوانان ترخیص شده و یا در شرف ترخیص و خارج کردن آنان از مشکلات و آفت‌های اجتماعی و برای ایجاد زمینه‌های یک زندگی عادی و مصونیت از تبعات منفی ناشی از اقامت‌های طولانی و یا ادواری در شبانه‌روزی‌ها، راهکارهای مناسبی در این بخش تدارک دیده شود: ایجاد شبکه حمایتی مناسب اجتماعی و اقتصادی برای فرزندان ترخیص شده، کمک به رفع مشکلات متعددی که فرزندان بعد از ترخیص با آن مواجه هستند. به کارگیری توانایی های فکری و جسمی جمعیت هدف به نحوی که در ازای انجام آن شغل، فرد به استقلال نسبی مالی برسد. تلاش برای به وجود آوردن شرایطی که فرزندان ساکن شبه خانواده بیشتر در جو شرایط یک خانه و خانواده قرار بگیرد تا با فطرت انسانی و نحوه زندگی در خانواده آشنا شود. تعداد زیاد، اقامت‌های طولانی مدت کودکان و نوجوانان در مراکز شبانه‌روزی باعث می‌شود فرزندان در محیطی مصنوعی و همان شبه خانواده‌ها بزرگ شوند که این امر در نوع تربیت، آموزش، کسب مهارت‌های زندگی، نوع سازگاری و رو به رو شدن با واقعیت‌های تلخ و شیرین زندگی تاثیرگذار است که این فرزندان را متفاوت‌تر از فرزندان در خانه و خانواده‌هایی که حضور پدر و مادر و خواهر و برادر هستند، را می‌نماید . حضور فرزندان در یک محیط مشابه خانواده و گاهی مصنوعی خود می‌تواند باعث ایجاد مشکلات زیادی برای حضور فرزندان پس از ترخیص به محیط اجتماعی واقعی، بدون هیچگونه ملاحظه اجتماعی و تفاوت فردی برای این فرزندان ایجاد کند. نوع معاشرت با افراد جامعه، در محیط کار، دوستان، همسالان، انتخاب همسر و تعامل با اعضای جامعه که در بستر خانواده‌ها رشد پیدا کنند.</p>	۱ و ۳ و ۵ و ۶ و ۷ و ۹ و ۱۰
			<p>گسترش مهارت‌های زیستی اعم از زیست شناختی، روانشناختی و جامعه شناختی، فراهم آوردن بستری مناسب جهت توانمندسازی و خودکفایی افراد جامعه و ایجاد بستری امن برای فرزندان پس از ترخیص ،حمایت و اشتغال پایدار، داشتن تحصیلات عالی، کسب مهارت،حمایت روانی - اجتماعی در بلایا،آموزش و ارائه اطلاعات و آگاهی به افراد جامعه جهت تغییر در نگرش در مواجهه با فرزندان ترخیص شده از سازمان بهزیستی متغیرهای جامعه شناسی و روند وضعیت کودکان بعد از ترخیص هم باید پذیرش از سمت خود جامعه صورت گیرد، هم نگاه افراد جامعه، امکانات رفاهی و مالی مانند شغل مناسب، اقامتگاه یا محل سکونت برای فرزندان.</p>	
فردی	فرد	بهره هوشی	<p>میزان بهره هوشی، هوش ارتباطی، هوش هیجانی، ای کیو ، انواع هوش‌ها (هیجانی-عاطفی)</p>	۱ و ۲ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰
			<p>داشتن مهارت خاص، مهارت های هنری،مهارت فنی،فن بیان،مهارت در یکی از رشته ها</p>	
		شرایط جسمی	سلامت کامل جسمی ،نبود بیماری،میزان قدرت بدنی،قد و وزن	

	<p>شادابی، داشتن مهارت‌های ارتباطی، مهارت حل مسئله، مدیریت بحران، آستانه تحمل فرزندان در مواجهه با شرایط اضطراب‌زا (قبل و بعد ترخیص) علائق، توانایی‌ها، مهارت‌های اجتماعی.</p>	<p>شرایط روحی</p>
	<p>بهبود قابلیت‌های فردی در اجتماع، نهادینه کردن ارزش‌های بنیادین، شهروندمداری، تغییر و متناسب سازی قوانین، قوانین بنیادین، پیاده سازی و اجرای قوانین، آموزش های عمومی، پژوهش‌های توسعه‌ای</p>	<p>مسئولیت اجتماعی</p>
<p>۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰</p>	<p>امنیت اعتقادی و اخلاقی، توحید، پرهیز از نفاق و ریاکاری، عفاف، وفای به عهد، مسئولیت پذیری، رعایت حقوق دیگران، اعتماد، جوانمردی، صداقت، مدارا و پرهیز از تندخویی، رعایت قوانین و نظم، پرهیز از تبعیض و رعایت انصاف، خوش خلقی، پویایی و روزآمدی، عیب پوشی، رازداری، کسب رزق، وجدان کار.</p>	<p>هنجارهای دینی اجتماعی</p>
	<p>جامعه پذیری ناقص، نیاز به جامعه پذیری در یک جامعه مستحکم و منظم، عدم دلبستگی به هنجارهای اجتماعی، خانواده باید هنجارهای جامعه را متناسب با زمان در فرهنگ خود بگنجانند، آموزش تعامل اجتماعی در فرایند اجتماعی شدن، وجود انحرافات شدید را در تمام ابعاد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به دلیل عدم تعامل اجتماعی سکونت خانواده در حاشیه شهر، تحصیلات پایین، کمتر بودن در اجتماعی، اجتماعی نشدن، نبود هوش اجتماعی</p>	<p>چرخه معیوب اجتماعی شدن</p>
	<p>اضطراب ناشی از شرایط، ضعف شاخص های فرهنگی، نبود نگاه اصولی در فرهنگ جامعه، عدم پذیرش فرهنگی کودکان یتیم خانه ها توسط دیگران، ضعیف فرهنگی خانواده ها</p>	<p>هنجارهای پذیرفته شده</p>
<p>۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰</p>	<p>ریشه فرهنگ اول از خانواده‌ها و بعد از جامعه شروع می‌شود، وقتی خانواده حذف شود قطعا بافت فرهنگی فرد هم در آن مداخله ایجاد می‌شود و نواقصی در ایجاد آموزش فرهنگ برای فرد ایجاد می‌شود و چون فرد نتوانسته است در یک فرهنگ خاص با آموزش‌ها و قوانین فرهنگی خاص رشد کند قطعا ورود او به جامعه با مخاطرات جدی روبه رو خواهد شد، هر خانواده دارای یک ریشه اصیل فرهنگی چه در آداب معاشرت، چه جایگاه اجتماعی فرد، چه باورها و اعتقادات مذهبی، فکری، چه در گویش قومیت و محلّیت، دارا استحاله اگر از فردی تمامی این چیدمان فرهنگی را بگیریم و او را در یک محیط ماشین واره با مکانیسمی که تمام دغدغه یک مرکز نگهداری از این کودکان می‌شود، خوراک، پوشاک، مسکن و گاهی این کودکان در مدت ۱۸ سال عمر خود مراکز متعددی را تجربه کردند که هر کدام با قوانین و مقررات مخصوص به خود، پس نمی‌توان توقعی داشت که این فرزندان دارای اصالت فرهنگی باشند و دائما این افراد در تناقض بین فرهنگ‌ها قرار گرفته‌اند.</p>	<p>فرهنگی نبود فرهنگ</p>

الگوی مذکور که براساس نظریه داده بنیاد به دست آمده مشتمل بر چهار بعد است .



شکل ۲. الگوی استخراج شده عوامل جامعه شناختی موثر بر وضعیت کودکان یتیم خانه های تحت پوشش بهزیستی تهران پس از ۱۸ سالگی

طراحی مدل A.H.P:

مدلسازی بر اساس روش A.H.P مبتنی بر درخت سلسله مراتب، می باشد که بیانگر مسئله تحت بررسی است. سطح یک آن، هدف، سطح آخر گزینه های رقیب و سطوح میانی معیارهای تصمیم گیری هستند. در مدل سازی این سوال تحقیق، هدف اولویت بندی ویژگی های فردی، اجتماعی، محیطی و فرهنگی موثر بر وضعیت کودکان یتیم خانه های تحت پوشش بهزیستی تهران پس از ۱۸ سالگی می باشد. که در درخت تصمیم به اختصار عنوان شده است و گزینه های رقیب همان عوامل نهایی موثر می باشند، که پس از تجزیه و تحلیل آماری انتخاب شده اند. رتبه بندی این معیارها به صورت زیر است:

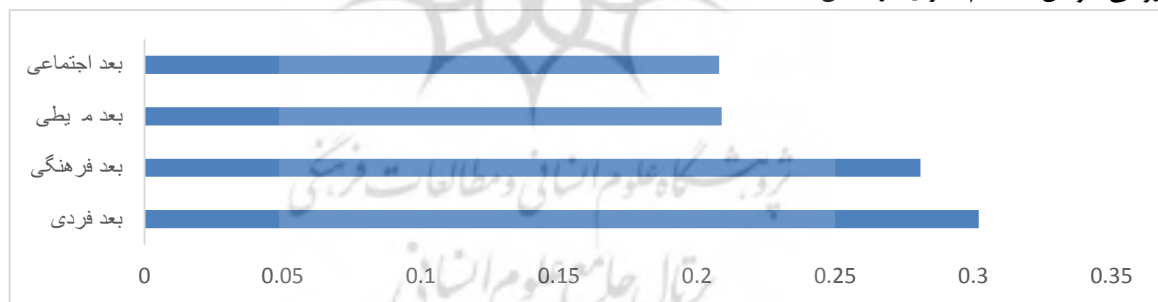
جدول ۲. ماتریس مقایسات فازی ادغام شده

	A			B			C			D		
A	1	1	1	0.8909	1.2009	1.5874	1.1225	1.6984	2.1822	0.7368	0.9086	1.1006
B	0.6300	0.8327	1.1225	1	1	1	0.5888	0.7647	1.0000	0.6934	1.0000	1.4422
C	0.4582	0.5888	0.8909	1.0000	1.3077	1.6984	1	1	1	0.5774	0.7071	1.0000
D	0.9086	1.1006	1.3572	0.6934	1.0000	1.4422	1.0000	1.4142	1.7321	1	1	1

جدول ۳. ماتریس مقایسات فازی ادغام شده

جمع فازی هر سطر	بسط مرکب فازی			درجه ارجحیت Si بر Sk			درجه ارجحیت	نرمال سازی ارجحیت‌ها	وزن معیارها		
3.7502	4.8079	5.8703	0.1824	0.2910	0.4414	1.000	1.000	1.000	1.000	0.3024	0.302
2.9121	3.5974	4.5647	0.1417	0.2177	0.3432	0.687	0.998	0.752	0.687	0.2077	0.208
3.0356	3.6036	4.5893	0.1477	0.2181	0.3451	0.691	1.000	0.755	0.691	0.2088	0.209
3.6019	4.5149	5.5315	0.1752	0.2732	0.4159	0.929	1.000	1.000	0.929	0.2810	0.281

براساس نتایج حاصل که تجزیه و تحلیل‌ها به دست آمد، وزن نهایی^۱ بعد فردی ۰.۳۰۲۴، وزن نهایی بعد فرهنگی ۰.۲۸۱ و وزن بعد محیطی ۰.۲۰۹، و بعد اجتماعی ۰.۲۰۸ به دست آمدند و میزان نرخ ناسازگاری^۲ ماتریس نیز برابر با ۰.۰۰۱ بود. و با توجه به اینکه این مقدار کمتر از ۱/۱ می‌باشد، مقدار نرخ ناسازگاری قابل قبول است. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل ماتریس مقایسه زوجی عوامل تصمیم‌گیری در شکل ۱ آمده است.



نمودار ۱. اولویت بندی معیارهای اصلی بر اساس وزن‌های محاسبه شده

بحث و نتیجه‌گیری

براساس نظریه داده بنیاد برای وضعیت کودکان یتیم خانه‌های تحت پوشش بهزیستی تهران پس از ۱۸ سالگی با رویکرد بومی ۴ بعد به دست آمد که این ابعاد عبارتند از: ۱- بعد محیطی ۲- بعد فردی ۳- بعد اجتماعی ۴- بعد فرهنگی. این ۴ بعد شامل ۱۱ مؤلفه سازنده است که عبارتند از: در بعد محیطی شامل اقدامات حمایتی و بسترهای محیطی می‌باشد. در بعد فردی شامل مؤلفه‌های ۱- بهره‌ر هوشی ۲- استعدادهای فردی ۳- شرایط جسمی ۴- شرایط روحی. در بعد اجتماعی شامل: ۱- مسئولیت

^۱ . Local Priority

^۲ . Inconsistency Ratio

اجتماعی ۲- هنجارهای دینی ۳- چرخه ی معیوب اجتماعی شدن. بعد فرهنگی شامل مؤلفه های ۱- هنجارهای پذیرفته شده فرهنگی و ۲- نبود فرهنگ است.

تبیین احتمالی پژوهشگر این است که عوامل فردی با مولفه های بهره هوشی، استعدادهای فردی، شرایط جسمی و شرایط روحی برای ایجاد وضعیت بهتر زندگی برای کودکان بی سرپرست بعد از ۱۸ سالگی در درجه اول اهمیت قرار دارد. کودکان و نوجوانان بدسرپرست و بی سرپرست از موقعیت هایی مانند شرکت در گروه، انجام کار تحت نظارت فرد یا افراد دیگر، صحبت یا سخنرانی در جمع واهمه دارند و با توجه به شرایط بحرانی که دارند، ابعاد مختلف حیات اجتماعی را به شدت تحت تأثیر قرار داده و تأثیرات منفی آن در بین نوجوانان بدسرپرست و بی سرپرست بیشتر هویدا کرده است و کودکان با بهره هوشی و استعداد بالاتر می باشد.

با توجه به یافته ها پیشنهاد میشود: در تحقیقات آینده از سایر روش های جمع آوری داده ها نظیر مصاحبه و... استفاده گردد و پیشنهاد می گردد در پژوهش های آتی متغیرهای بدسرپرست و بی سرپرست به صورت مجزا و در شهرستان های دیگر نیز مورد بررسی قرار بگیرند. همچنین پیشنهاد می گردد برنامه ای مدون برای آموزش مهارت های تخصصی به صورت کارگاه های آموزشی و همچنین، تدوین کتاب های متعددی در این زمینه برای مقاطع مختلف تحصیلی، توسط آموزش و پرورش در نظر گرفته شود.



References

- Astana, Razieh. (2019). Creating a sense of security in care centers for orphaned and abused children, National Conference on Civil Engineering, Architecture and Information Technology in Urban Life, Mashhad. National Conference on Civil Engineering, Architecture and Information Technology in Urban Life.
- Bahmanyar, Samira, Dehghan, Narges. (2021). the design strategies of care centers for orphaned children with the aim of increasing belonging to the place in Isfahan city. *Hoyt Shahr* 16(2), 61-76.
- Behroozifar, M., chitsaz, M., Mohammadi, S. (2019). Lived Experience of Children Without Effective Parental Care in Residential Care Centers in Tehran. *A Research Journal on Social Work*, 6(21), 133-172. (In Persian)
- Behrouzifar, Maryam, Chitsaz, Mohammad Ali. Mohammadi, Asghar (2018). The lived experience of abused children and adolescents from living in day care centers in Tehran. *Research Journal of Social Work* 6(21). 133-172.
- Eslami, R., Hashemian, P., Jarri, Lee, Modares Gharavi, A. (2012). The effectiveness of the group reality therapy approach on the happiness and quality of life of abused adolescents in Mashhad, *Journal of the Faculty of Medicine of Mashhad University of Medical Sciences*, 56(5), 306-306.
- Fayaz, A., Kayani, J. (2018). Investigating the mental health of teenagers of Shahid Dastghaib and Namazi orphanage in Shiraz, *Psychology Quarterly of Exceptional People*, 2(1), 19-48.
- Ghasemi-Harandi, Abulqasem. Faruzandeh, inspiration. (2015). The effectiveness of the approach based on acceptance and commitment on self-efficacy and quality of life of homeless and abused teenagers in Isfahan city. The third international conference on new approaches in humanities. Tehran.
- Guidelines of Children and Adolescent Affairs Office. (2017) Welfare Organization.
- Helles, A. S. (2021). Designing Stimulating Environment to Alleviate Orphan Children Psychological Problems. *European Journal of Environment and Public Health*, 5(2), em0082.
- Irons, C., & Lad, S. (2017). Using compassion focused therapy to work with shame and self-criticism in complex trauma. *Australian Clinical Psychologist*, 3(1), 1743.
- National Welfare Organization. (1388). Specialized instructions for the care and upbringing of children under the supervision of the welfare organization. National Welfare Organization.
- Okrodudu, G. (2010). Influence of parenting styles on adolescent delinquency in Delta Central Senatorial District. *EDO J Counseling*, Vol. 3, 58-86.
- Safrahmadi Elnaz, Hosseinian Simin, Zandipour Taybeh. The effect of positive thinking training on the perception of competence and social skills of neglected and abused children. *Children's Mental Health Quarterly* 2016; 4 (1): 13-23.
- Salehi, H., Rezaei, F., Bagheri Mutlaq, N. (2019). The role of the welfare organization in the guardianship process of orphaned or abused children and adolescents. *Jurisprudence and family law (Nadai Sadegh)*, 25(72), 73-91.
- Salehi, Hamidreza and Rezaei, Fatemeh and Bagheri Motlaq, Narges. (2019). The role of welfare organization in the process of guardianship of orphaned or abused children and adolescents. *Jurisprudence and family law (Nadai Sadegh)* year 25, spring and summer 2019, number 72.
- Tejar, Javad (2019). Examining standards and psychosocial issues of homeless children in Iran. *Journal of the Faculty of Medicine of Mashhad University of Medical Sciences* 63(1).

Identifying and Prioritizing Individual, Social, Environmental and Cultural Characteristics Affecting the Condition of Children in Orphanages Covered by Tehran's Welfare after the Age of 18

Mansoureh Sharifi Nevisi¹
Amir Masoud Amir Mazaheri^{2*}
Zahra Hazrati Someeh³

Abstract

Purpose: The main purpose of the research is to identify and prioritize individual, social, environmental and cultural characteristics affecting the condition of children in orphanages covered by Tehran's welfare after the age of 18.

Methodology: The research method is applied in terms of purpose, and mixed (qualitative and quantitative) in terms of data type. The statistical population includes elites with doctorate degrees and university faculty members with at least 5 years of experience in the welfare organization and with research degrees and participation in related seminars. The sample size was 10 experts who were selected with a purposeful method and according to the principle of theoretical saturation. The data collection tool is semi-structured interview and paired comparison questionnaire. Theoretical coding method (open, central and selective) and fuzzy AHP technique were used to analyze the data.

Findings: After open and axial coding, it was determined that several components were obtained for individual, social, environmental and cultural characteristics affecting the condition of children in orphanages covered by Tehran's welfare after the age of 18, and these dimensions are: Environment includes supporting measures and environmental substrates. In the individual dimension, it includes components 1- intelligence 2- individual talents 3- physical condition 4- mental condition. In the social dimension, it includes: 1- Social responsibility 2- Religious norms 3- The vicious cycle of socialization. The cultural dimension includes components 1- accepted cultural norms and 2- lack of culture.

Conclusion: Based on the fuzzy AHP technique, the influence of the individual dimension is the first degree of importance, the cultural dimension is the second degree, the environmental dimension is the third degree and the social dimension is the fourth degree.

Keywords: Individual, Social, Environmental Characteristics, Children, Orphanage, Welfare

¹ PhD student, Department of Sociology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

² Associate Professor, Department of Social Sciences, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author). a.amirmazaheri@gmail.com

³ Associate Professor, Department of Sociology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.